

یکمی در مورد استقرای تمثیلی حرف بزنیم!

در مورد استقرای تمثیلی خیلی همیشه حرف زد ولی من نمی خوام خیلی زیاده گویی کنم اینجا برات. اولین چیزی که اینجا باید یاد بگیری تفاوت استقرای تمثیلی با خود تمثیله.

تمثیل چیه؟ تمثیل به روش برای توضیح و فهموندن به مطلب به مخاطبه. توو این روش چیزی که خیلی مهمه مشابهت و وجه اشتراک بین پدیده های مختلفه. این کار توو آموزش خیلی کاربرد داره اما اینطور نیست که فقط کاربردش آموزش باشه. کلی جاهای دیگه مثل ادبیات، روان شناسی و... هم ازش استفاده میشه. (استقرای تمثیلی در منطق = قیاس در ادبیات)

اما استقرای تمثیلی چیه؟ استقرای تمثیلی به نوع استدلاله که تووش از تمثیل استفاده میشه.

تو و تعریف استقرای تمثیلی همیشه گفت:

سرایت دادن حکم یک موضوع خاص به موضوع خاص دیگر به دلیل شباهت میان آن دو.

لطفاً درباره این استقرای تمثیلی به چند تا مطلب خیلی خوب توجه کن:

(۱) بعضی وقتا ممکنه توو تعریف این نوع استدلال به جای موضوع خاص بگن موضوع جزئی. اینجا جزئی به اون معنی که توو درس ۳ خونديم (که قابلیت داشتن مصداق های متعدد ندارد) نیست. اینجا جزئی یعنی خاص. یه مثال می زنم که کامل متوجه بشی؛ مثلاً می گیم دانش آموزان دوازدهم انسانی مدرسه دوشهید درسشون ضعیفه؛ پس دانش آموزان دوازدهم انسانی مدرسه سه شهید که توو همون کوچه هست هم درسشون ضعیفه. بین اینجا حکم بچه های انسانی دوشهید رو (که یه مفهوم کلیه نه جزئی) نسبت دادیم به بچه های انسانی سه شهید به خاطر شباهت این دو تا مدرسه.

(۲) اگه به جای خاص، جزئی به کار برد حواست باشه که جزئی به معنای سور جزئی هم نیست. این جزئی همون خاص و مشخص معنی میده نه هیچ چیز دیگه یعنی مقدمه یه استقرای تمثیلی می تونه جزئی باشه (بعضی داشته باشه) می تونه کلی باشه (هر یا هیچ داشته باشه).

(۳) ساختار یه استقرای تمثیلی مثل هر استدلال دیگه ای حداقل دو تا مقدمه داره.

مقدمه اول بیان حکم موضوع جزئی اول و مقدمه دوم بیان شباهت موضوع جزئی اول و دوم و نتیجه سرایت حکم موضوع جزئی اول به موضوع جزئی دوم یعنی:

الف ب است.

ج شبیه الف است.

❖ ج ب است.

۴) خیلی واضح که شباهت بین دو تا چیز از یه جنبه خیلی وقتاً نمی‌تونه باعث این بشه که اون دو تا چیز از جنبه‌های دیگه هم شبیه هم باشن پس استقرای تمثیلی نتیجه‌ش احتمالیه و قطعی و یقینی نیست؛ یعنی نه میشه گفت نتیجه‌ی استقرای تمثیلی ۱۰۰ درصد درسته و نه میشه گفت ۱۰۰ درصد غلطه. برای همین هم استقرای تمثیلی خیلی استدلال محکم و جوندار و قوی‌ای نیست.

ولی حالا همین استقرای تمثیلی که کلاً قوی نیست توو خودشون قوی و ضعیف دارن.

دو تا اتفاق باعث میشه که یه استقرای تمثیلی، از بقیه قوی‌تر باشه

اول: شباهت بین دو تا چیز که دارن با هم مقایسه‌میشن از جنبه‌های بیشتری باشه (کتاب گفته وجود مشابهت بیشتر باشه).

دوم: (که کتاب درسی اینو نگفته) ربط بین اون جنبه مشابهت با اون حکمیه که می‌خوایم از یکی به اون یکی سرایت بدیم. یه مثال بزمن بهتر جا بیفته برات. ببین مثلاً میگه: جلالی که عینکیه معلم منطقه؛ پس اکبری هم که عینکیه معلم منطقه. خب اینجا حکم ما (یعنی معلم منطق بودن) خیلی ربطی به شباهت (عینکی بودن) نداره؛ پس این استقرای تمثیلی استقرای قوی‌ای نیست.

۵) استقرای تمثیلی هم یه استدلاله: هر استدلالی هم قاعده و قانون خودش رو داره که اگه قواعدش رعایت نشه همیشه مغالطه. مغالطه مربوط به استقرای تمثیلی میشه **مغالطه تمثیل ناروا** یا تمثیل نابجا. حالا این مغالطه چه وقتایی اتفاق می‌افته؟

اول: عدم شباهت بین دو امر جزئی یعنی دو تا چیزی که دارن با هم مقایسه می‌شن اصلاً توو هیچ زمینه‌ای شبیه هم نیستن.

دوم: عدم ربط حکم به وجه شبه؛ یعنی حکمی که از یکی می‌خوایم به اون یکی سرایت بدیم، ربطی به وجه شبه نداره. (همون مثال جلالی / اکبری / عینکی / معلم منطق)

مقابله با مغالطه تمثیل ناروا

حالا فرض کن یه استقرای تمثیلی گذاشتن جلوت و تو می‌خوای زیر آبش رو بزنی و بگی من این استدلال رو قبول ندارم. (ایشالا که استدلاله غلطه و مغالطه تمثیل ناروا داره و تو نمی‌خوای زیر آب به استدلال درست رو بزنی) دو تا کار می‌تونن بکنی:

اول: به جای اینکه به شباهت بین اون دو تا چیز توجه کنی که باعث درست شدن تمثیل شده، زیر آب شباهت رو بزنی و بگی اتفاقاً این دو تا موردی که دارن با هم مقایسه‌میشن کلی هم با هم از جهت‌های دیگه فرق و تفاوت دارن. به این کار میگن توجه به وجوه اختلاف. مثلاً طرف میگه علی عینکیه پس زهرا هم که خواهرشه عینکیه. تو میگی آقا چه ربطی داره علی پسره، زهرا دختره. علی ۵ سال از زهرا بزرگ‌تره و اینا اصلاً هم سن نیستن. علی و زهرا خواهر و برادر ناتنی هستن و ... اینا یعنی توجه به وجوه اختلاف.

دوم: به راه دیگه اینه که تو به جای اینکه دنبال اختلاف بین اون دو تا چیز بگردی بیای و موضوع دوم رو با به چیز دیگه مقایسه کنی و به تمثیل دیگه بسازی که نتیجهش با تمثیل قبلی مخالف باشه. (این به چیزیه شبیه مثال نقض) به این روش میگن یافتن استدلال تمثیلی مخالف. مثلاً طرف میگه علی عینکیه پس زهرا هم که خواهرشه عینکیه تو میگی پس چرا محسن که عینکیه فاطمه خواهرش عینکی نیست. اینجا به تمثیل دیگه آوردی ولی با تمثیل قبلی مخالفه. از اینجا معمولاً تستای به کم سختی طرح میشه که ازت می خواد روش نقد تمثیل رو تشخیص بدی. من برای اینکه کارت راحت تر بشه به روش بهت یاد میدم، خوب دقت کن.

فرض کن به تمثیل داریم.

طرف اول A، طرف دوم B، حکم سرایت داده شده H

اگه نقدی برای این تمثیل دیگری که دوباره از A و B حرف می زد و پای کس دیگه رو وسط نیاورده بود و فقط حکم H رو عوض کرده بود و چیزی گذاشته بود که با H مخالف باشه میگی روش توجه به وجوه اختلافه.

اگه توو نقدی که برای این استقرای تمثیلی بود یکی از A و B بود (معمولاً B) و پای به کس دیگه اومده بود وسط (مثلاً C) و B و C رو با هم مقایسه کرده بود میگی استدلال تمثیلی مخالف. اگه مثالی علی و زهرا و محسن و فاطمه رو به بار دیگه بخونی کامل می فهمی!

به مثال هم با هم ببینیم:

ماشین هایی که کارخانه ایران خودرو می سازد خیلی خوب ترمز نمی گیرند؛ پس ماشین هایی که بی ام دبلیو هم می سازد همین طور هستند.

بررسی مثال:

مقایسه ماشین های ایران خودرو و بی ام دبلیو هم تمثیل نارواست به خاطر اینکه شباهتی بین این دو تا کارخونه نیست.

وقت، وقت تسته دیگه!

نوع مغالطه به کار رفته در استدلال زیر کدام است؟

«قاضی: شما در تاریخ ۱۰ اسفند ۹۸، راننده کامیونی بودید که با دو میلیون ماسک از تهران به سوی جنوب حرکت می کرد؛ قبول دارید؟»

متهم: آقای قاضی، من حافظه خوبی ندارم! مگر شما به خاطر دارید که ۱۰ اسفند چه غذاهایی خورده اید؟»

(۱) توسل به احساسات (۲) ابهام در مرجع ضمیر (۳) تعمیم شتاب زده (۴) تمثیل ناروا

پاسخ: گزینه ۴

در مغالطه تمثيل ناروا قواعد تمثيل درست یعنی شباهت بين دو امر و ارتباط حكم با شباهت بين دو امر رعایت نشده است.

در اینجا متهم استدلال کرده چون قاضی یادش نیست ۱۰ اسفند ۹۸ چه چیزی خورده است، پس منم یادم نیست ۱۰ اسفند ۹۸ کجا بوده ام.